



۲۰۱۷/۰۵/۱۶

حامد نوید

منار چکری:

یکی از آبدات بسیار پراهمیت در ولسوالی بگرامی یا حوزه تاریخی میان کابل و لوگر منار با عظمت چکری بود که در نزدیکی خاک جبار در ۱۳ کیلومتری جنوب شهر از فراز کوتل شاخ پرنی در طی قرون متمادی از ارتفاع ۳۰۰ متر شهر باستانی کابل را فاتحانه میبایید، اما در دهه هشتاد و نود، هنگامیکه بزرگترین صدمات بر پیکر آبدات تاریخی افغانستان در اثر جنگهای مدھش و تباه کن وارد آمد، این منار تاریخی هم بی امان نماند و مورد حملات پراکنده توپ و تانک قرار گرفت، تا اینکه در یک شب تاریک در چهارم مارچ سال ۱۹۹۸ با صدای مهیبی بر زمین افتاد و منهدم گردید، درحالیکه نه بتی را تمثیل میکرد و نه پیکره ئی را.



فردای آنروز روستائیان دیدند که چیزی جز از توده های سنگ و بخشی از بدنه آن از منار باستانی چکری باقی نمانده. گرچه تا هنوز هیچ یک از گروه های مسلح سیاسی مسئولیت تخریب آنرا بدوش نگرفته، ولی در آنوقت حکومت مسئولی در افغانستان نبود تا به اعمار دوباره آن بپردازد. به اساس مطالعات تاریخی، بخصوص تحقیقات کریس



ایم دور نیخ آلمانی که در اخیر دهه شصت به تحقیقات تاریخی در افغانستان مشغول بود، منار چکری یکی از آبدات مهم بودایی در حوزه فرهنگی کابل به شمار میرفت. قرار فرضیه او منار چکری باید کهن تر از دوره کوشانی ها (سده دوم تا پنجم میلادی) بوده به دوره آشوکا شاه موریایی هند (قرن سوم ق.م) که به مذهب بودایی هنایانا (چرخ کوچک) معتقد بود، تعلق داشته باشد. شاید دلیل ارائه این نظر شباهت عمومی منار چکری با مناره های یادگاری آشوکا پادشاه موریایی هند باشد که به دین بودایی شعبه هنایانا در سده سوم ق.م. گرویده بود، اما در میان ۱۹

مناریکه در سر تاسر هند از ادوار پار بجا مانده و بنام منار های آشوکا یاد میگردند سبک ها و طرح های متفاوتی را مشاهده کرده میتوانیم که برخی قابل مقایسه با منار چکری بوده و برخی قابل مقایسه با آن نیستند. زیرا یک تعداد آنها از چوب تراش یافته که نمیتوان آنرا از نگاه کار برد مواد ساختمانی همگون منار چکری خواند.

در منار چکری شیوه سنگ کاری محلی متشکل از پارچه های هموار سنگ و تخته سنگهای بزرگ همراه با لایه های مواد چسباننده ساروج و جغل دیده میشود که این شیوه ساختمانی سبک خاص معماری دوره کوشانیها بوده و در اکثر معابد اطراف کابل قابل تشخیص میباشد.

ازینرو احتمال اینکه این منار قطور در دوره زماداری کوشانی ها باشد بیشتر است. اکثر تاریخنگاران به این عقیده اند که منار چکری بخشی از معابد آبادی هایست که در فاصله میان **ولسوالی بگرامی** کنونی در جنوب کابل و ساحه تاریخی **بگرام** در شمال کابل اعمار گردیده بودند و این منار مرتفع در بلندی های **شاخ برنتی** انظار تاجران و زائرینی را که از **نگار اوپهارا** (جلال آباد) از طریق کوتل **لته بند** به **کاپورا** (کابل آنوقت) می آمدند و بسوی کوه دامن و پروان ره میبستند جلب می نموده است.

از قرار معلوم این مناره مرتفع در زمان زماداری یفتلی ها و کابل شاهان پا برجا بوده وبخصوص مورد دلچسپی و حرمت تجار هندی قرار داشت. ازینرو امکان دارد که منار چکری با الهام از منار های آشوکا اعمار گردیده باشد، اما با این تفاوت که در آن سبک ساختمانی بخصوص حوزه مدنی کابل و ذوق معماران محلی چنانچه در شیوه ساختمانی معابد مس عینک، ستوپه های گلدره و شیوه کی و نیایشگاه تپه اسکندر در شمال کابل دیده میشود هویدا و مشخص میباشد. چنانچه از یادشتهای نویسندگان برتانیوی از جمله الکساندر برنس و چارلس میسن برمی آید سبک سنگ کاری تزئینی منار چکری از شیوه خاصی برخوردار بوده است. این سکیچ که در قرن نهم توسط انگلیسها^۱ تهیه گردیده و در کتاب **آریانای باستان Ariana Antiqua** نوشته

چارلس میسنو هوراس هیمن ولسن در سال ۱۸۴۱ به چاپ رسیده، چگونگی ساختمان منار چکری را به شکل بهتر نشان میدهد.

از جانب دیگر اکثر مناره های آشوکا در هند با مجسمه شیر های سه گانه مزین بودند که در رأس منار به نمایش گذاشت میشد. قسمت پائینی مجسمه ها عموماً با نقش نیم برجسته **چرخ دهارما** و سه حیوان دیگر، یعنی اسب، نرگاو و فیل آراسته میشد. این آفرینش هنری تا هنوز مورد احترام مردم و نشان ملی هندوستان است. باستان شناسان معتقد اند که چنین پیکره ای در بخش بالایی منار چکری وجود نداشته و در عوض از روی خشت پاره ها و سنگریزه های بجا مانده درین بخش به این نتیجه رسیده بودند که شاید ساختمانی به شکل چتری از گلبرگهای نیلوفر بر فراز این مناره بلند وجود داشته که در اثر حوادث روزگار از بین رفته، و یا شاید با چرخ



Column or Minār Chakri.



^۱ Charles Masson - Horace Hayman Wilson, Charles Masson: Ariana Antiqua - A Descriptive Account of the Antiquities and Coins of Afghanistan, ۱۸۴۱

بزرگی که مظهر شعبه مه‌ایانا در آئین بودایی مروج در افغانستان بود تزئین یافته و چون تاجی در رأس این مناره قرار داشته است. از همین رو تا کنون بنام منار چکری یاد می‌گردد.

چکره در زبان سانسکریت معنی چرخ را می‌دهد و به اساس فلسفه بودیزیم و هندوئیزیم کلمه دهارما Dharma معنی چرخ حیات را نیز ارائه می‌دارد؛ بدین معنی که چرخ حیات، و کائنات همواره در حال گردش است و به اساس قانون طبیعت اعمال نیک و بد انسانی دو باره به آدمی برگشتنیست. در بخش اخلاقیات سرود های ویدی اصطلاح «رتا» قانون حقیقت را شرح می‌دارد و «کارما» Karma قانون عمل و عکس العمل را بیان می‌کند. یعنی هر بد کنشی ویا نکوکاری بازتاب و نتیجه ای دارد. این فکر در ادبیات ادوار اسلامی نیز در قالب اندرز های اخلاقی و فلسفی دیده میشود. مانند این ابیات صائب:

گرچه دیوار افگند سایه دراز باز گردد سوی او آن سایه باز

این جهان کوه است و فعل ما ندا باز می آید بسوی ما صدا

و یا این شعر از حضرت مولانای بلخی:

تازه جوانی ز سر ریشخند گفت به پیری که کمانت به چند

پیر بخندید و بگفت ای جوان چرخ ترا نیز دهد رایگان

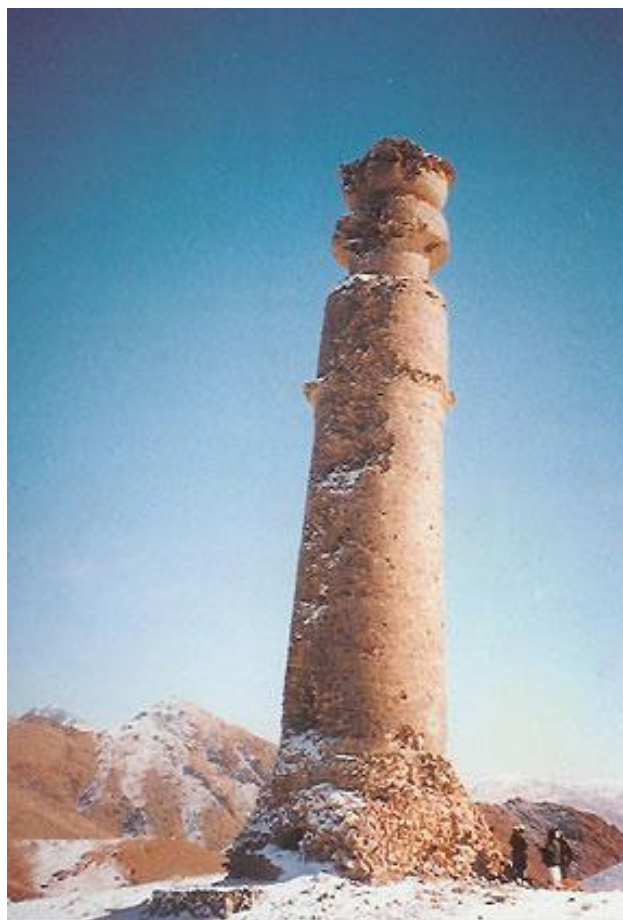
بنا بر بینش فلسفی مکتب فکری مه‌ایانا گلبرگهای نیلوفر در حقیقت مظهر این چرخ اند و نکویی آن در آنست که بر ساقه یعنی محور وجودی خود استواری دارد. همچنان چکره ها در وجود انسان نشانگاه نقاط فشار میان قوای مقناطیسی زمین و نیروی عظیم کائناتی بحساب می‌روند؛ و هرگاه در تعادل آیند باعث سلامتی بدن و روح می‌گردند.

خصوصیات ساختمانی:

از نگاه ساختمانی منار چکری از سه بخش تشکیل یافته بود، تهداب، بدنه و تاجی که بر سر منار قرار داشت. تهداب منار چکری به اندازه ۸ متر در ۸ متر مسند مربع شکلی بود که بدنه مناره بر آن استواری داشت. ارتفاع منار به ۲۸ متر میرسید و ساختمانی در بخشهای بلند بدنه آن به شکل گلدسته مناره های ادوار اسلامی بچشم می‌خورد. چنانچه از سکیچ های قرن نهم بر می آید، سراپای منار چکری با دقت هنگاف کاری گردیده بود و امکان داشت در اثر حوادث طبیعی بیوسد. ازینرو در سال ۱۹۲۳ در هنگام زمامداری شاه امان الله کوشش بعمل آمد تا ترمیماتی برای حفاظت منار چکری و سرخ منار که در سراشیبی دامنه کوه موقعیت داشت صورت گیرد که به پایه تکمیل نرسید. اکنون از سرخ منار هیچ اثری بجا نمانده زیرا در اثر زلزله شدید سال ۱۹۶۵ بر زمین افتید و منهدم شد. در همین سال کوشش به عمل آمد تا با استوار ساختن منار چکری که در بین مردم محل به سیاه منار و گاهی هم بنام منار اسکندر یاد میشد، ترمیماتی صورت گیرد و از تخریب بیشتر آن جلوگیری گردد. در بین سالهای ۱۹۷۴ و ۱۹۷۶ در هنگام زمامداری سردار محمد داود کوشش هایی از طرف ریاست حفظ آثار تاریخی افغانستان به کمک باستان شناسان انگلیس به عمل آمد تا از فرو افتادن منار چکری ممانعت گردد که تاندازه زیادی در حفظ این اثر باستانی مؤثر افتاد.

از نگاه تزئینات معماری، سرتاپای منار چکری با هنگافکاری ظریفی پوشش یافته بود که سبک هلنیستیک یونان باختری داشت، اما قبل از انهدام آن که در سال ۱۹۹۸ اتفاق افتاد اکثر هنگاف کاریها در اثر حوادث روزگار و عدم

مراقبت درست فروپاشیده بود.... این اینست داستان غم انگیز مناری که روزگاری مظهر تمدن شگوفا و با اعظمت افغانستان پار بود، اما با غفلت و بی اعتنایی از بین رفت.



نمای از منار چکری پیش از سال ۱۹۸۸

گزیده ای از منابع:

یادداشتها ومشاهدات انگلیسها در مورد آبدات بودایی افغانستان از سال ۱۸۳۳ تا ۱۸۴۱.
مشاهدات الکساندر برنس نماینده سیاسی برتانیه در افغانستان، داکتر هولینجر طبیب مهاراجه رنجیت سنگ و یادداشتهای ی ج. جرارد در مورد سرخ منار

j.G. GERARD, a British surgeon in the services of the East India Company

نشریه "انجمن آسیایی بنگال" سال نشر ۱۸۳۴.

کتاب آریانی باستان نوشته هوراس هیمن ویلسن و چارلس میسن سال نشر ۱۸۴۱، لندن

Ariana Antiqua: Charles Masson - Horace Hayman Wilson, Charles Masson: -

A Descriptive Account of the Antiquities and Coins of Afghanistan, ۱۸۴۱

Ali Mohammad, Afghanistan: A Historical Sketch, Historical Society of Afghanistan, Kabul, ۱۹۵۶.

Auboyer Jeannine, "The Art of Afghanistan", Printed by Artia, Prague, ۱۹۶۸.

Dupree Hatch Nancy and Ahmad Ali Kohzad: An Historical Guide to Kabul, Kabul, ۱۹۷۲.

Dupree Nancy Hatch, An Historical Guide to Afghanistan. 1st Edition: ۱۹۷۰, 2nd Edition:
Revised and Enlarged,
Afghan Tourist Organization, ۱۹۷۷
Chris M. Dorn'eich, *The MINAR-I CHAKARI, Some texts and illustrations*, Berlin ۲۰۰۹
Harle, J.C., *The Art and Architecture of the Indian Subcontinent*, 2nd edn. ۱۹۹۴,
Yale University Press *Pelican History of Art*
SPACH (Society for Preservation of Afghanistan's Cultural Heritage) *News letter*, Issue ۰ May
۱۹۹۹

پایان

